



# تحولات مرزهای عربستان سعودی با کویت

● نوشته دکتر اصغر جعفری ولدانی  
از دانشکده امور اقتصادی

اعضای شورای همکاری خلیج فارس با عربستان سعودی قرارداد امنیتی امضاء کرده‌اند، کویت تاکنون از امضای چنین قراردادی خودداری ورزیده است، زیرا کشور نگران است که مبادا امضای چنین قراردادی به نیروهای نظامی عربستان سعودی اجازه دهد به آسانی خاک آن کشور را به اشغال خود درآورند. امیر کویت در مورد مخالفت با درخواست ریاض برای امضای قرارداد امنیتی اظهار داشته است: «قوانین کشور مشروطه کویت، اجازه ورود ارتش سعودی را به این سرزمین نمی‌دهد».

پس از جنگ خلیج فارس، نگرانی کویت بیشتر از جانب عربستان سعودی بوده است، زیرا تا زمانی که عراق به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در صحنه حضور داشت، عامل بازدارنده در برابر مطامع عربستان سعودی تلقی می‌شد. اما اکنون، با خارج شدن عراق از صحنه، عربستان سعودی مهمترین تهدید نسبت به استقلال و تمامیت ارضی کویت به شمار می‌رود. در واقع، همکاری عربستان سعودی برای بیرون راندن نیروهای صدام حسین از کویت، نه به خاطر خود کویت، بلکه بیشتر به خاطر کوتاه کردن دست رقیب دیرینه خود از این کشور بوده است. سخنان ملک فهد پادشاه عربستان سعودی در مصاحبه با رسانه‌های گروهی کویت در پایان اکتبر ۱۹۹۲ را می‌توان در این راستا ارزیابی نمود. اظهارات وی زنگ‌های خطر را برای استقلال و تمامیت ارضی کویت بار دیگر به صدا درآورد. او اظهار داشت: «عربستان سعودی و کویت یک کشورند و هیچگونه تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد»<sup>۱</sup> کویتی‌ها با مفهوم این کلمات به خوبی آشنا هستند، چرا که اینگونه سخنان را بارها از زبان صدام حسین و سایر مقامات عراقی شنیده‌اند. ملک فهد اکنون که صدام حسین در انزوا فرو رفته، خود را بدون رقیب می‌بیند و لذا جای او را گرفته است. سخنان صدام حسین هنوز در یادها هست که می‌گفت تاریخ به ما ثابت کرده که کویت و عراق یک کشورند و مرزی بین آن‌ها وجود ندارد.<sup>۲</sup>

مقدمه: دیروز عراق، فردا عربستان سعودی در اوائل فوریه ۱۹۹۱، وقتی نیروهای متحدین به رهبری آمریکا حملات زمینی گسترده و مرگبار خود را برای آزادی کویت از اشغال عراق آغاز کردند، نخستین مناطقی که آزاد شد، جزایر «قارو» و «ام‌المرادم» بود. این واقعه از سوی قرارگاه متحدین در عربستان سعودی با تبلیغات وسیع در سطح بین‌المللی بازتاب پیدا کرد. درحالی که این واقعه خود تعلق این جزایر را به کویت نشان می‌داد، عربستان سعودی ادعا کرد که جزایر مذکور بخشی از خاک آن کشور است.<sup>۱</sup> این مسأله نشان داد که سیاست‌های توسعه طلبانه عربستان سعودی نسبت به کویت یا جزایر آن، هیچ تفاوتی با سیاستهای توسعه طلبانه عراق ندارد. عراق چند بار برای دست‌اندازی به کویت تلاش کرده بود و بالاخره در اوت ۱۹۹۰ آن را به طور کامل به اشغال درآورد. عربستان سعودی نیز کوشش‌های متعددی برای اشغال کویت به عمل آورده و یکبار نیز خاک آن سرزمین را اشغال کرده است. عراق نسبت به جزایر «وربه» و «بویان» و عربستان سعودی نسبت به جزایر «قارو» و «ام‌المرادم» مطامع ارضی دارند.

تاریخ به ما می‌گوید درحالی که عربستان سعودی در طول دهه‌های گذشته با ضمیمه شدن کویت به عراق مخالفت ورزیده، خود همواره تلاش کرده آن کشور را ببلعد. به همین جهت، کویت همواره از دو همسایه بزرگ خود نگران بوده است. آزادی خاکش از اشغال عراق از این نگرانی نکاسته، بلکه آن را بیشتر کرده است. زیرا از یک طرف، هنوز تنش در مرزهای بین دو کشور ادامه دارد و از طرف دیگر، عربستان سعودی نیز ادعاهای ارضی خود را از سر گرفته است.

کویت با وجود داشتن روابط گسترده با ریاض، همواره در مورد مقاصد واقعی عربستان سوءظن داشته است. به عنوان مثال، درحالی که سایر

در واقع، عدم پذیرش مرزهای دوفاکتوی کویت و عراق توسط کشور اخیر نیز در همین راستا بود.

کویت تهدیدات عربستان سعودی را جدی تلقی می‌کند، زیرا درست یک ماه قبل از اظهارات مذکور، نیروهای نظامی سعودی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ به همسایه کوچک و ضعیف عربستان، یعنی قطر تجاوز کردند و بخش‌هایی از خاک آن کشور را اشغال نمودند. به دنبال آن، قطر ناگزیر شد طبق موافقتنامه منعقد شده با عربستان در دسامبر ۱۹۹۲، قسمتی از قلمرو خود را در خلیج «سلوا» به عربستان سعودی واگذار کند. به همین جهت، تجاوز عربستان سعودی به قطر، کویت را از پیش آمدن وضع مشابهی در مورد خودش شدیداً نگران کرده است.<sup>۲</sup>

نگرانی‌های کویت، افزون بر این که ناشی از موقع ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک این کشور است، ریشه‌های تاریخی نیز دارد. در قسمت‌های بعدی، موضوعات مذکور به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن روند تحولات مربوط به مرزهای دو کشور و اختلافات آن‌ها در مورد مرزهای دریایی و جزایر «قارو» و «ام‌المرادم» بررسی خواهد شد.

### موقع ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک کویت

کویت بیش از هر عامل دیگری قربانی موقع ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک خود می‌باشد. کویت در برابر عربستان سعودی کشور بسیار کوچکی است. وسعت آن ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع است، در حالی که عربستان سعودی همسایه جنوبی آن، ۲/۵۱ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد. به عبارت دیگر، خاک عربستان سعودی ۱۲۰ برابر خاک کویت است. به این ترتیب، کویت فاقد عمق استراتژیک است. بعلاوه، جمعیت کویت در اواسط ۱۹۹۲ حدود ۱/۳۰ میلیون نفر بوده<sup>۵</sup> در حالی که جمعیت عربستان سعودی بر اساس سرشماری ۱۹۹۲ حدود ۱۶/۹ میلیون نفر اعلام شده است.<sup>۶</sup> جمعیت یک کشور ارتباط مستقیم با حجم نیروهای مسلح آن دارد. تعداد نیروهای مسلح کویت در پایان سال ۱۹۹۲ بین ۱۵ تا ۱۶ هزار نفر بوده است،<sup>۷</sup> در حالی که در اواسط سال ۱۹۹۱ شمار نیروهای مسلح عربستان سعودی به ۵۶۷۰۰ نفر و اعضای گارد ملی آن به ۳۵ هزار نفر می‌رسیده است.<sup>۸</sup> به عبارت دیگر، حجم نیروهای مسلح عربستان سعودی ۶ برابر نیروهای مسلح کویت است. وسعت و جمعیت از منابع مادی قدرت به شمار می‌رود. یک کشور هر قدر وسعت و جمعیت بیشتری داشته باشد از میزان آسیب‌پذیری اش کاسته می‌شود. بر همین اساس، کویت در مقابل عربستان سعودی و همسایه دیگرش بسیار ضعیف و آسیب‌پذیر است. افزون بر آن، کویت فاقد وحدت ملی، یکپارچگی، همگنی و همبستگی ملی است؛ عواملی که موجب قدرت‌یابی یک کشور می‌شود.

از طرف دیگر، کویت با دو کشور بزرگ منطقه، یعنی عربستان سعودی و عراق مرز مشترک دارد و نمی‌توان انکار کرد که این وضع جغرافیایی، به سود تمامیت ارضی کویت نبوده و نیست.

برای توصیف آسیب‌پذیری کویت از نظر ژئوپولیتیک، معمولاً از استعاره‌های گوناگونی استفاده می‌شود. برای مثال، از کویت به عنوان «فندقی در فندق شکن» نام برده می‌شود، یعنی کویت به منزله فندق و عراق و عربستان سعودی چون فندق شکن می‌باشند که کویت را از دو طرف به صورت گازانبری تحت فشار قرار می‌دهند.

از نظر ژئواکونومیک، موقع کویت بسیار ارزشمند است. این کشور دارای ۱۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان است و این ثروت سرشار موجب شده که طمع همسایگانش قرار گیرد. یکی از دلایل اشغال کویت بوسیله عراق در اوت ۱۹۹۰، و نیز از جمله دلایل متحدین برای آزادسازی آن کشور، همین امر بوده است. به نظر نمی‌رسد که در آینده از نقش این عامل کاسته گردد، بلکه بر اهمیت آن افزوده خواهد شد زیرا در نظم نوین جهانی و هر نظم دیگری در آینده، ژئواکونومیکز جای ژئوپولیتیکز را خواهد گرفت.<sup>۹</sup> اولین

تجر به نظم نوین جهانی نیز در مورد کویت بود. در واقع، لشکرکشی نیروهای متحدین به رهبری آمریکا نه به خاطر خود کویت، که به علت وجود ذخایر نفتی آن بود. به همین جهت، عده‌ای جنگ خلیج فارس را جنگ نفت نامیدند. شاید مقایسه کویت با سومالی از این نظر قابل توجه باشد. سومالی به علت واقع شدن در شاخ آفریقا از اهمیت استراتژیک و ژئوپولیتیک همانند کویت برخوردار است، اما برخلاف آن از نظر ژئواکونومیک فاقد ارزش است و به همین جهت نیز نیروهای نظامی آمریکا و غرب آن را به حال خود رها کردند. با توجه به آنچه گفته شد، برای کویت یافتن راه‌هایی که بتواند استقلال و تمامیت ارضی خود را حفظ کند، فوق‌العاده محدود است. تا پیش از اوت ۱۹۹۰، سیاست خارجی کویت معمولاً بر پایه بیطرفی در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، داشتن روابط با هر دو ابرقدرت، حفظ مناسبات دوستانه با دول غربی و برقراری نوعی توازن در روابط با سه قدرت منطقه یعنی ایران، عراق و عربستان سعودی استوار بود و مهمترین اهداف آن کشور را نیز حفظ تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت و تأمین امنیت ملی تشکیل می‌داد. اما ناکارانی سیاست مذکور با اشغال آن کشور در اوت ۱۹۹۰ به اثبات رسید. در نتیجه، کویت در برخی از اصول سیاست سنتی خود تجدیدنظر کرده است. انعقاد پیمان‌های دفاعی با آمریکا و برخی کشورهای دیگر بیانگر این امر است. به موجب پیمان‌های مذکور به آمریکا و بعضی دیگر کشورها اجازه داده شده که نیروهای نظامی خود را در خاک کویت مستقر سازند. همچنین، کویت اخیراً سعی کرده در مقابل زیاده‌طلبی‌های عربستان سعودی، روابط خود را با تهران توسعه دهد. در واقع، حفظ روابط دوستانه با تهران همیشه به نفع کویت بوده است. کویت این اصل را در جریان جنگ ایران و عراق، با جانبداری از عراق زیر پا نهاد، اما پس از اشغال خاکش توسط عراق سعی کرده به سیاست دیرینه خود مبنی بر ایجاد نوعی توازن در روابط با سه قدرت بزرگ منطقه یعنی ایران، عربستان سعودی و عراق بازگردد. ایران هیچگاه نسبت به کویت ادعای ارضی نداشته و همواره از استقلال و تمامیت ارضی آن در برابر دو همسایه دیگرش پشتیبانی کرده است.

از طرف دیگر، نشانه‌هایی در دست است که کویت می‌خواهد روابط خود را با عراق عادی سازد. شیخ صباح الاحمد وزیر امور خارجه کویت مصالحه و آشتی کشورش با عراق را امکان‌پذیر دانسته و اظهار داشته است که آشتی با عراق ناممکن نیست، ولی پیش از آن باید برخی مسائل بین دو کشور حل و فصل شود.<sup>۱۰</sup> این تغییری ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست خارجی کویت پس از اشغال خاک آن کشور توسط عراق است. کویت قبلاً هرگونه آشتی با دولت کنونی عراق را رد کرده بود.

### سوابق تاریخی تا عهدنامه «عقیر»

همان‌گونه که گفته شد، عامل دیگری که نگرانی کویت از مطامع همسایگانش موجه جلوه می‌دهد، تجارب تلخ تاریخی گذشته است. تاریخ نشان می‌دهد که استقلال و تمامیت ارضی کویت از آغاز پیدایش آن کشور همواره در معرض تهدید بوده است. با قدرت گرفتن خاندان آل سعود و راهیابی آن‌ها به خلیج فارس، کویت غیر از تهدید عراق از طرف شمال، از جنوب نیز در مخاطره قرار گرفت. از آن زمان تاکنون عربستان سعودی چندبار برای اشغال کویت تلاش کرده است. نیروهای عربستان در سال ۱۸۰۳ موفق شدند کویت را به اشغال خود درآورند، اما مدتی بعد قدرت وهابی‌ها در عربستان فرو ریخت و حتی عبدالعزیز ابن سعود به همراه پدرش ناگزیر شد از نجد فرار کند و به کویت پناهنده شود. وی در این کشور میهمان شیخ محمد حاکم کویت بود و از او مستمری می‌گرفت.

عبدالعزیز ابن سعود در ۱۹۰۲ مخفیانه از کویت به ریاض رفت و با انجام یک کودتا قدرت را به دست گرفت. ابن سعود سپس سعی کرد تمام شبه جزیره

از مراکز عمده صنعت نفت عربستان سعودی محسوب می‌شود.

به هرحال، اشغال «حساء» موجب شد از يك طرف ابن سعود به خلیج فارس راه یابد و از طرف دیگر کویت را در معرض تهدید قرار دهد. زیرا «حساء» منطقه حایل میان نجد و کویت بود و با اشغال آن نجد مستقیماً با کویت همسایه شد. در واقع، گام بعدی ابن سعود می‌توانست اشغال کویت باشد چرا که روشن بود در «حساء» متوقف نخواهد شد. دو سال بعد، در آستانه جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴، ابن سعود نیروهای خود را برای تصرف کویت در مرزهای این شیخ نشین متمرکز ساخت اما بریتانیا مداخله کرد و ابن سعود ناگزیر شد سربازنش را از مرزهای کویت فراخواند. سپس انگلستان در دسامبر ۱۹۱۵ قراردادی با ابن سعود که در آن زمان به سلطان نجد مشهور بود امضاء کرد. به موجب این قرارداد، ابن سعود متعهد شد به کویت تجاوز ننماید. باید اشاره کرد که کویت تا آغاز جنگ جهانی اول بخشی از امپراتوری عثمانی بود، اما از نوامبر ۱۹۱۴ به صورت يك امیرنشین مستقل تحت الحمايه بریتانیا درآمد. کویت آخرین حلقه از زنجیری بود که خلیج فارس را به يك «دریاچه انگلیسی» تبدیل کرد. بریتانیا با استقرار حاکمیت خود بر این شیخ نشین، سلطه اش را بر سرتاسر خلیج فارس گسترش داد. خلیج فارس از نظر دسترسی به هند برای بریتانیا فوق العاده اهمیت داشت و تا چند دهه بعد، حفظ شیخ نشین‌های کناره خلیج فارس یا نقاط استراتژیک آن از جمله کویت، از اهداف عمده سیاست بریتانیا بود. در همین حال، ابن سعود نیز اشغال کویت را در نظر داشت. به این ترتیب، از آغاز جنگ جهانی اول بریتانیا و ابن سعود برای تسلط بر کویت در برابر هم قرار گرفتند.

هنوز زمان زیادی از انعقاد قرارداد ۱۹۱۵ نگذشته بود که ابن سعود با زیربای نهادن آن حملات خود را به کویت از سر گرفت. وی در ابتدای سال ۱۹۲۰ هرگونه مبادلات بازرگانی میان کویت و نجد را ممنوع ساخت و در مرحله بعد، نیروهایش در ماه آوریل از مرز گذشتند و نیروهای شیخ کویت را در آوردگاه «احمدی» شکست دادند. در نتیجه، شیخ از دولت بریتانیا کمک خواست. بریتانیا نیز چند رزمنامو برای حمایت از شیخ به کویت فرستاد و در نتیجه نیروهای ابن سعود ناگزیر شدند این بار نیز از خاک کویت عقب نشینی کنند.

### عهدنامه «عقیر» و ایجاد منطقه بیطرف

تجاوز ابن سعود به کویت، موجب شد که بریتانیا ژنرال سرپرسی کاکس نماینده این کشور در بوشهر را که در سال‌های بعد به عنوان کمیسوینر عالی بریتانیا در عراق منصوب شد، به نمایندگی از طرف کویت مأمور مذاکره با ابن سعود در مورد تعیین مرزهای بین کویت و نجد کرد. تا آن تاریخ، مرزی بین کویت و نجد مشخص نشده بود. البته به موجب موافقتنامه ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ منعقد شده بین امپراتوری عثمانی و بریتانیا، کویت تا شعاع ۶۴ کیلومتری (۴۰ مایلی) شهر کویت، به عنوان ایالتی خودمختار شناخته می‌شد، اما این موافقتنامه نیز به تصویب نرسیده بود.

مذاکرات ژنرال کاکس و نمایندگان نجد در مورد تحدید مرزها به طول انجامید و علت امر، مخالفت ابن سعود با تعیین مرزها بود. وی به طور رسمی اعلام کرده بود که هیچگونه اختلاف ارضی با کویت ندارد و بنابراین نیازی به تعیین مرزها نیست.<sup>۱۲</sup> در واقع، ابن سعود تعیین مرزها را مغایر با سیاست‌های توسعه طلبانه خود می‌دید و نامشخص بودن مرزها همیشه می‌توانست بهانه‌ای باشد که کویت را مورد تجاوز قرار دهد. بعلاوه، تعیین مرزها به مفهوم شناسایی دوزور کویت به عنوان کشوری مستقل بود، درحالی که ابن سعود تمایلی به این امر نداشت.<sup>۱۳</sup>

به هرحال، در اثر پافشاری بریتانیا، ابن سعود با تعیین مرزهای کشورش با کویت موافقت کرد. مذاکرات در این مورد سرانجام منجر به امضای معاهده «عقیر» در سال ۱۹۲۲ شد. به موجب این معاهده، مرزهای بین نجد و کویت

○ در طول دهه‌های گذشته، عربستان سعودی با ضمیمه شدن کویت به عراق مخالفت ورزیده، اما خود همواره در تلاش بوده است که کویت را بی‌بعد.

○ پس از جنگ خلیج فارس، نگرانی کویت از عربستان سعودی افزایش یافته است، زیرا تا زمانی که عراق به عنوان يك قدرت منطقه‌ای در صحنه حضور داشت، عامل بازدارنده‌ای در برابر توسعه طلبی و مطامع عربستان سعودی به شمار می‌آمد.

○ کویت اخیراً می‌کوشد در برابر زیاده خواهی‌های عربستان سعودی، به تهران نزدیک‌تر شود. در واقع، حفظ روابط دوستانه با ایران که هیچگاه چشم طمع به خاک همسایگان‌ش نداشته، همواره به سود کویت بوده است؛ نکته‌ای که کویت در جریان جنگ ایران و عراق از آن غافل شد و به جانبداری از متجاوز پرداخت.

○ سیاست سنتی عربستان سعودی که حاکمان کنونی آن کشور نیز بدان پایبند مانده اند، تسلط بر کویت و تمام بخشهای شبه جزیره عربستان است. در راستای این سیاست، عربستان سعودی از نهائی کردن قراردادهای مرزی اش بر طبق مقررات حقوق بین الملل خودداری می‌کند زیرا نمی‌خواهد این قراردادها نقشه سیاسی شبه جزیره عربستان را به صورت دائمی درآورد.

عربستان را به تصرف درآورد. در این راستا، بریتانیا از پیشروی نیروهای ابن سعود در داخل سرزمین عربستان حمایت می‌نمود زیرا از يك طرف مخالف حضور عثمانی‌ها در آن مناطق بود و حضورشان را در حکم حضور آلمان‌ها می‌دانست و از طرف دیگر، برقراری امنیت در مناطق بیابانی و صحراهای گسترده و خشک داخلی عربستان را دشوار می‌دید. کنترل مناطق ساحلی، با توجه به قدرت دریایی بریتانیا، برای آن دولت آسان‌تر بود. با این ترتیب، ایجاد يك حکومت مرکزی مقتدر در داخل شبه جزیره عربستان، در راستای تأمین منافع بریتانیا بود.<sup>۱۱</sup> به همین جهت، از همان آغاز دست به پشتیبانی از ابن سعود زد اما در عین حال به وی اخطار کرد که نباید به کویت و سایر امارات خلیج فارس چشم طمع داشته باشد و به آن‌ها تجاوز کند. در این زمینه، ابن سعود در نوامبر ۱۹۰۷ تعهدی از حکومت انگلیسی هند دریافت کرد مبنی بر این که دولت بریتانیا تا زمانی که ابن سعود به کویت و دیگر امارات خلیج فارس تجاوز نکند، از وی حمایت خواهد کرد.

ابن سعود در سال ۱۹۱۲ «حساء» را که در کناره خلیج فارس و بین کویت و قطر واقع شده به تصرف درآورد. وی در اشغال این منطقه نیز که تحت تسلط عثمانی‌ها بود، از حمایت بریتانیا برخوردار شد. «حساء» در قرن هیجدهم جزو قلمرو ایران بود ولی در سال‌های بعد به علت ضعف حکومت مرکزی ایران، جدا شد. این منطقه همچنین خانه اجدادی آل صباح که بر کویت حکومت می‌کنند، به شمار می‌رود زیرا محل سکونت قبیله عتوبی بوده است. این قبیله دارای سه تیره به نام‌های «آل صباح»، «آل خلیفه» و «آل جلاهمه» است که در اواسط قرن هیجدهم از «حساء» به کویت، بحرین و قطر مهاجرت کردند و حکومت‌های مستقلی، تشکیل دادند. بنابراین، کویت می‌تواند نسبت به آن ادعای ارضی کند. «حساء» منطقه‌ای است نفت خیز و

سلوکی ما نسبت به فیصل الدویش باشد». وی افزود: «این سعود در ایام شوکت و اقتدار محل ما را محاصره نمود و مایل نیستیم که یکبار دیگر خود را آنطور محصور ببینیم.»<sup>۱۸</sup>

استدلال کویت در مورد کمک به عشایر مذکور این بود که اولاً عشایر «عجمان» و «مطیر» از قدیم (قبل از تأسیس حکومت ابن سعود) تابع حکومت کویت بوده‌اند. ثانیاً اگر به آن‌ها پناه ندهد با راهزنی و غارتگری اطراف کویت را ناامن و مغشوش می‌سازند. راه‌های تجاری را می‌بندند و کویت درحالت اختناق قرار می‌گیرد. ثالثاً اهالی کویت از دادوستد و معامله با این عشایر استفاده می‌کنند. در مقابل، ابن سعود کمک کویت به شورشیان را برخلاف بیطرفی می‌دانست.

به هر حال شورشیان از نیروهای ابن سعود شکست خوردند و به کویت پناه بردند. ابن سعود خواستار تحویل «فیصل الدویش» و سایر رهبران شورشی شد، اما کویت با این استدلال که بین دو کشور قانونی در مورد استرداد مجرمین وجود ندارد، از این کار خودداری کرد. در نتیجه، ابن سعود شروع به متمرکز ساختن نیروهای زمینی خود در مرزهای کویت نمود؛ همزمان، با خرید چند فروند هواپیما، نیروی هوایی خود را نیز تقویت کرد. سپس درصدد احداث پایگاه هوایی در مرزهای کشور خود با کویت برآمد. هر روز که

می‌گذشت امکان حمله نیروهای وی به کویت بیشتر می‌شد و این مسأله نگرانی بریتانیا را از امکان اشغال کویت برانگیخت. در نتیجه، به سرعت کشتی‌های جنگی‌اش را به سوی کویت فرستاد. ابن سعود که با حضور نیروهای نظامی بریتانیا در کویت و کشتی‌های جنگی‌اش در آبهای آن کشور روبرو شده بود، ناچار عقب‌نشینی کرد و نیروهای خود را از مرزهای کویت فراخواند. سپس درصدد مذاکره با شیخ احمد حاکم کویت برآمد. ابن سعود برای این منظور «شیخ حافظ وهبه» مستشار خود را به کویت فرستاد. در پی مذاکراتی، کویت موافقت کرد که از «فیصل الدویش» حمایت نکند. از همین رو، وی کویت را ترک و خود را تسلیم انگلیس نمود. انگلیسی‌ها نیز پس از موافقت ابن سعود با عفو نامبرده، او را تسلیم کردند.

به این ترتیب، معاهده «عقیر» با ایجاد منطقه بیطرف عملاً نتوانست مانع از تردد عشایر و قبایل طرفین گردد. از طرف دیگر، ابن سعود نیز معاهده جده را عملاً زیر پا نهاد. در این میان، تنها حضور نیروهای نظامی بریتانیا بود که مانع از اشغال کویت توسط سعودی‌ها می‌گردید. در واقع، حفظ استقلال کویت در برابر توسعه‌طلبی‌های ابن سعود از یک طرف به علت اهمیت استراتژیکی آن کشور برای بریتانیا بود و از طرف دیگر عدم حمایت از استقلال کویت، سبب بی‌اعتمادی سایر امارات خلیج فارس به بریتانیا می‌شد و به اعتبار و پرستیژ آن لطمه می‌زد. شیخ نشین‌های خلیج فارس به موجب قراردادهایی در قرن نوزدهم، خود را تحت‌الحمايه بریتانیا قرار داده بودند.

به هر حال، ادامه یافتن تهدیدات ابن سعود نسبت به کویت و گسترش نفوذ آلمانی‌ها و ایتالیایی‌ها در منطقه موجب شد که بریتانیا طرح ایجاد فدراسیونی متشکل از تمام شیخ‌نشین‌های خلیج فارس از کویت تا «مکلا» در ساحل اقیانوس هند را در سال ۱۹۳۰ مورد بررسی قرار دهد.<sup>۱۹</sup> در واقع، انگلیسی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که یگانه وسیله تأمین راه دسترسی آنها به هند، ایجاد یک امپراتوری متحد عربی در سواحل خلیج فارس و اقیانوس هند است. این مسأله ابن سعود را بسیار متوحش ساخت.<sup>۲۰</sup> به منظور کاهش نگرانی وی، شیخ احمد جابر حاکم کویت به ریاض سفر کرد و با مقامات سعودی مذاکره نمود. ابن سعود پیشنهاد کرد که امیر فیصل (ملک فیصل بعدی) پسر وی به ریاست این امپراتوری جدید عربی منصوب شود.<sup>۲۱</sup> طبیعی بود که این امر نمی‌توانست مورد موافقت شیخ نشین‌های خلیج فارس و بریتانیا قرار گیرد، زیرا به این ترتیب کویت و تمام شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و سواحل اقیانوس هند خیلی آسان و بدون لشکرکشی ضمیمه امپراتوری ابن سعود می‌گردید.

تعیین و یک منطقه بیطرف میان دو کشور ایجاد گردید. معاهده «عقیر» حدود منطقه بیطرف را به این شرح تعیین می‌کند: «اراضی این منطقه از طرف شمال به مرز قطعی جنوبی کویت، از طرف غرب به رشته کوه کم ارتفاع الشق و از طرف شرق به دریا و از طرف جنوب به خطی که از جهت غرب به شرق و از الشق تا عین العبد و از آنجا به طرف شمال شرقی رأس المیشات امتداد می‌یابد، محدود می‌شود. تا زمانی که از طریق مساعی جمیله دولت بریتانیای کبیر توافقات بیشتری در مورد این منطقه صورت نگیرد، طرفین از حقوق مساوی برخوردار خواهند بود.»<sup>۲۲</sup>

منطقه‌ای که به صورت بیطرف تعیین شده، طی قرن‌هایی که امپراتوری عثمانی بر کشورهای عربی حاکم بود، اساساً صحرائی خالی از سکنه و تنها راه تاریخی حرکت قبایل به سمت شمال و به منظور استفاده از نواحی حاصل خیز اطراف رودخانه‌های دجله و فرات به شمار می‌رفت و به همین جهت، بی‌بوته صحنه رقابت قبایل بود. وهابی‌ها نیز در قرن نوزدهم همیشه از همین منطقه به سمت شمال حمله می‌کردند. منطقه بیطرف به منظور تضمین حقوق قبایل طرفین از جهت دسترسی آزادانه به منابع آب و چراگاه‌ها به وجود آمد. هدف دیگر، آن بود که از درگیری‌های شدید بین قبیله‌های متخاصم بر سر حقوق چراگاه‌های واقع میان دو کشور کاسته شود. اصلاً منطقه مزبور در آن زمان اهمیتی غیر از آنچه گفته شد نداشت، زیرا هنوز نفت در آن کشف نشده بود.

وسعت منطقه بیطرف به درستی مشخص نیست و در منابع به صورت مختلف آورده شده است. در دائرة المعارف بریتانیکا وسعت این منطقه ۵۶۹۸ کیلومتر مربع (۲۲۰۰ مایل مربع)،<sup>۱۵</sup> و در دائرة المعارف مرزها، ۶۵۰۰ کیلومتر مربع (۲۵۰۰ مایل مربع) ذکر شده است.<sup>۱۶</sup> منطقه بیطرف لوزی شکل و طول سواحل آن در خلیج فارس ۶۴ کیلومتر (۴۰ مایل) است.

### تحولات مربوط به مرزها تا جنگ جهانی دوم

پس از انعقاد معاهده «عقیر»، ابن سعود شروع به پیشروی در مناطق داخلی و غربی شبه جزیره عربستان کرد. وی نواحی «عسیر»، «جیزان» و «نجران» یمن را به تصرف درآورد و پس از آن سرزمین حجاز را در کناره دریای سرخ اشغال کرد و به این ترتیب قلمرو خود را از سواحل خلیج فارس تا دریای سرخ گسترش داد. در همین حال، «ربع الخالی» را در جنوب شرقی شبه جزیره عربستان به تصرف درآورد. سپس به طرف شمال پیشروی نمود و بر سرزمین جبل شمار دست انداخت. آنگاه، نام کشورش را به «مملکت حجاز و نجد و مناطق تابعه آن» تغییر داد.<sup>۱۷</sup>

پیشروی نیروهای ابن سعود به طرف شمال و شرق، بریتانیا را مجدداً نگران ساخت زیرا ممکن بود این پیشروی ادامه یابد و شیخ نشین‌های کرانه خلیج فارس از جمله کویت در معرض خطر قرار گیرند. لذا درصدد متوقف ساختن ابن سعود برآمد و در ۲۰ مه ۱۹۲۷ معاهده جده به امضاء رسید. به موجب ماده ۶ این قرارداد، پادشاه عربستان تعهد کرد روابط صلح‌آمیز و دوستانه خود را با کویت که دارای معاهدات مخصوصی با دولت انگلیس بود، حفظ کند. به این ترتیب، ابن سعود متعهد گردید به کویت تجاوز نکند و تمامیت ارضی و استقلال آن سرزمین را محترم شمارد.

با این حال، دو سال پس از انعقاد معاهده جده، ابن سعود درصدد اشغال کویت برآمد. ماجرا از این قرار بود که در سال ۱۹۲۹ عشایر «عجمان» و «مطیر» که تحت ریاست «فیصل الدویش» بودند، در برابر ابن سعود شورش کردند. آنها از کمک‌های مادی و معنوی محرمانه شیخ احمد جابر حاکم کویت برخوردار بودند. این مسأله سبب تیرگی روابط نجد و کویت گردید. شیخ احمد جابر حاکم کویت حمایت از «فیصل الدویش» را مورد تأیید قرار داد و اظهار داشت: «هیچ معاهده‌ای بین ما و نجد موجود نیست که مانع از خوش

سعودی در منطقه مذکور اعتراض داشت. سرانجام با مشورت‌های زیاد طرفین موفق شدند یادداشتی در این خصوص مبادله کنند. در این یادداشت طرفین موافقت اصولی خود را برای تقسیم منطقه بیطرف مورد تأکید قرار دادند. دو کشور همچنین براساس پیشنهاد کویت تصمیم گرفتند که هر قسمت از منطقه تقسیم شده توسط یک دولت اداره شود. عربستان سعودی قبلاً پیشنهاد کرده بود که یک سیستم اداره مشترک براساس کاندومینیوم برای اداره این منطقه در نظر گرفته شود، اما کویت آن را رد کرده بود.

به دنبال توافق مذکور، دو کشور در ۷ ژوئیه ۱۹۶۵ موافقتنامه‌ای در جده امضاء کردند. به موجب این موافقتنامه، منطقه بیطرف از نظر جغرافیایی به دو قسمت مساوی میان دو کشور تقسیم شد... مشروط بر این که حقوق مساوی طرفین به طور کامل در تمام منطقه، همان طور که معاهده «عقیر» مقرر داشته بود، حفظ شود... و طبق شرایط مسئولیت بین‌المللی تضمین گردد.

### موافقتنامه ۱۹۶۵ و مسائل حل نشده

به موجب ماده یک موافقتنامه، خط مرزی بین دو بخش منطقه بیطرف که از این پس منطقه تقسیم شده نامیده خواهد شد، «خطی است که آن را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند. این خط از نقطه‌ای در وسط ساحل شرقی در پائین‌ترین علامت جزر آب شروع و در خط مرزی غرب منطقه پایان می‌یابد». برطبق ماده ۲، «قسمت شمالی خط تقسیم ضمیمه کویت و قسمت جنوبی آن ضمیمه عربستان سعودی می‌شود».

براساس ماده ۳، هم کویت و هم عربستان سعودی ضمن رعایت سایر مواد موافقتنامه و بدون وارد کردن زیان به حقوق طرف دیگر، نسبت به منابع طبیعی در تمام منطقه تقسیم شده، در قسمت‌هایی که ضمیمه خاک آنها شده، حقوق و مقررات اداری، قانون‌گذاری و دفاعی خود را اعمال خواهند کرد، به همان صورتی که در سرزمین اصلی خود اعمال می‌کنند. به موجب ماده ۴، عربستان سعودی و کویت متعهد می‌شوند که به حقوق یکدیگر نسبت به منابع طبیعی در بخش ضمیمه خاک خود، اعم از این که وجود دارد یا احتمالاً به وجود خواهد آمد، احترام بگذارند.

براساس ماده ۷، هر یک از طرفین در آن بخش از منطقه تقسیم شده که ضمیمه خاک آنها گردیده و نیز دریای سرزمینی مجاور منطقه تقسیم شده، از حقوق یکسان برخوردارند. این ماده مقرر می‌دارد «هر کشوری در دریای سرزمینی مجاور دو قسمت منطقه تقسیم شده، از همان حقوقی برخوردار است که در قسمت خشکی که ضمیمه خاک آن گردیده، این حقوق برای بهره‌برداری از منابع طبیعی بستر و زیر بستر منطقه تقسیم شده تا ۶ مایل دریایی است».

با توجه به اهمیت این ماده، ضروری است که توضیحات بیشتری در مورد آن داده شود. گرچه عربستان سعودی به موجب قانون سال ۱۹۵۸ پهنای بستر دریای سرزمینی خود را ۱۲ مایل تعیین کرده بود، لکن ماده ۷ موافقتنامه ۱۹۶۵ پهنای بستر دریای سرزمینی منطقه تقسیم شده را فقط ۶ مایل ذکر کرده است. این امر دو دلیل عمده داشته است. نخست آن که قبل از سال ۱۹۶۷، پهنای دریای سرزمینی کویت ۶ مایل بود. دوم آن که هم کویت و هم عربستان سعودی در موافقتنامه‌های مربوط به اعطای امتیاز نفت به یک شرکت ژاپنی به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ فقط ۶ مایل دریای سرزمینی در نظر گرفته بودند.

وضع مناطق دریایی خارج از محدوده ۶ مایل دریایی، در ماده ۸ مشخص شده است. طبق این ماده «طرفین در مناطق دریایی خارج از محدوده ۶ مایلی مندرج در ماده ۷، از حقوق مساوی برای بهره‌برداری مشترک برخوردارند، مگر این که به صورت دیگری توافق کنند».

به این ترتیب، مناطق دریایی خارج از محدوده ۶ مایل تقسیم نشده است.

مخالفت بریتانیا با پیشنهاد ابن سعود و جلوگیری از پیشروی‌های بیشتر وی سبب شد که نامبرده از انگلیسی‌ها دور شود و روابط نزدیک‌تری با آلمان‌ها برقرار کند. در آستانه جنگ جهانی دوم، «خالد قرقینی» نماینده ابن سعود در آلمان با هیتلر ملاقات کرد. هدف وی از این ملاقات جلب موافقت هیتلر با الحاق کویت و سایر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به عربستان سعودی بود. در همین زمان گزارش‌هایی منتشر شد حاکی از آن که ابن سعود از رفتار انگلیسی‌ها نسبت به خود خرسند نیست زیرا وی را در اجرای منویاتش در ضمیمه کردن امارات خلیج فارس منجمه کویت، همراهی نمی‌کنند.

در همین حال، واقعه جالبی روی داد که به سعودی‌ها کمک کرد مجدداً در صدد اشغال کویت برآیند. در آوریل ۱۹۴۰، «رشید عالی گیلانی» که طرفدار آلمان‌ها بود، از راه یک کودتا قدرت را در عراق به دست گرفت. این امر به نفوذ انگلیسی‌ها در منطقه ضربه زد. سعودی‌ها از فرصت استفاده و شروع به تمرکز نیروهای نظامی خود در مرزهای کویت کردند. اما انگلیسی‌ها به سرعت واکنش نشان دادند؛ ابتدا «رشید عالی گیلانی» را ساقط نمودند و سپس ابن سعود را واداشتند نیروهای خود را از مرزهای کویت فراخوانند.

### کشف نفت و تقسیم منطقه بیطرف

به طوری که گفته شد، به موجب معاهده «عقیر» مرزهای بین نجد و کویت تعیین و یک منطقه بیطرف بین آنها ایجاد گردید. طرفین در این منطقه از حاکمیت مشترک برخوردار بودند، به این مفهوم که می‌توانستند از منابع طبیعی آن به طور مساوی بهره‌برداری کنند. حل‌وفصل نهایی مربوط به منطقه مزبور از آن به تعویق انداخته شد که طرفین تمایل زیادی از خود برای رسیدن به یک توافق نهایی نشان نمی‌دادند. البته در آن زمان ضرورتی هم در این مورد دیده نمی‌شد زیرا هنوز نفت در منطقه بیطرف کشف نشده بود در سال ۱۹۳۸، با کشف نفت در ناحیه «بورقان» در جنوب کویت در نزدیکی منطقه بیطرف، بهره‌برداری از ذخایر نفت نیز مورد توجه قرار گرفت.

در نتیجه، ده سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۸، شرکتی متشکل از یازده تولیدکننده مستقل نفتی آمریکایی، پس از مذاکره با شیخ کویت موفق به کسب امتیاز اکتشاف و استخراج نفت در نیمی از منطقه بیطرف شد. شرایط امتیاز برای شیخ کویت بسیار مطلوب بود. او سالیانه ۶۰۰ هزار دلار و در مجموع ۷ میلیون دلار تا شروع تولید به میزان تجاری دریافت می‌کرد و پس از تولید، بابت هر بشکه نفت ۳۳ سنت به عنوان حق‌الامتیاز برای وی منظور می‌شد. اعطای امتیاز مذکور با شرایط مطلوب موجب شد که عربستان سعودی نیز امتیاز اکتشاف و استخراج نفت در نیمی دیگر از منطقه بیطرف را با شرایط مشابه به شرکت نفتی «پاسیفیک وسترن اویل» (که بعداً نام آن به شرکت نفت «گتی» تبدیل شد) واگذار کند. نفت منطقه بیطرف در سال ۱۹۵۴ وارد بازارهای جهانی شد.

پس از ایجاد تأسیسات مربوطه در منطقه بیطرف و افزایش تعداد کارگران نفتی، مشکلاتی در اداره مشترک آن به وجود آمد و ضرورت مذاکره در مورد تعیین وضع حقوقی منطقه آشکار شد. در سال ۱۹۶۴، هیئتی به ریاست «احمد زکی یمانی» وزیر نفت و منابع طبیعی عربستان به دعوت وزیر دارایی و صنایع کویت وارد این کشور شد. مذاکرات در مورد وضع حقوقی منطقه بیطرف در ۸ مارس ۱۹۶۴ منجر به توافقی اصولی زیر گردید:

۱- منطقه بیطرف باید به دو قسمت جغرافیایی تقسیم شود؛ قسمتی ضمیمه کویت و قسمت دیگر ضمیمه عربستان سعودی گردد.

۲- هر یک از دو کشور باید کمیته کارشناسی برای تعیین خط مرزی میان دو قسمت تشکیل دهند.

کمیته‌های مذکور در بند ۲ تشکیل شد، اما مذاکرات با مشکل مواجه گردید زیرا کویت در مورد کنترل‌های بیش از حد و غیر متعارف عربستان

است. به همین جهت این مسأله نیز درآینده يك كانون بالقوه بحران خواهد بود.

۳) مناطق دریایی مجاور منطقه تقسیم شده نیز تعیین نشده و همچنان به صورت يك كانون اختلاف باقی مانده است.

۴) مالکیت جزایر «قارو» و «ام المرادم» که در مجاورت منطقه تقسیم شده واقع گردیده نیز مورد اختلاف دو کشور است.

### اختلاف در مورد مرزهای دریایی

اختلاف در مورد مناطق دریایی مجاور منطقه تقسیم شده، با اعطای امتیازات نفتی توسط دو کشور آغاز شد. در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ هم کویت و هم عربستان سعودی امتیازات جداگانه‌ای برای بهره‌برداری از نفت در فلات قاره منطقه مذکور به يك شرکت ژاپنی دادند. ابتدا عربستان سعودی يك قرارداد امتیاز ۴۰ ساله با شرکت عربی نفت (ژاپنی) در ۱۰ دسامبر ۱۹۵۷ امضاء کرد. بر طبق ماده ۲ این قرارداد، حوزه امتیاز عبارت بود از سهم عربستان سعودی در تمام مناطق دریایی مجاور منطقه بیطرف که تقسیم نشده است (خارج از محدوده دریای سرزمینی).

چند ماه بعد، کویت نیز امتیازی به همان شرکت در ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۸ داد. ماده يك قرارداد امتیاز مقرر می‌داشت که حوزه امتیاز شامل بستر و زیر بستر دریای منطقه بیطرف است، به استثنای موارد زیر:

- ۱- آب‌های مجاور منطقه بیطرف تا فاصله ۶ مایل دریایی از پائین‌ترین جزر آب،
- ۲- آب‌های مجاور جزایر ام المرادم و قارو تا فاصله ۳ مایل دریایی از پائین‌ترین جزر آب.<sup>۲۳</sup>

اعطای امتیازات مذکور موجب بروز بحران بین عربستان سعودی و کویت در مورد مرزهای دریایی منطقه بیطرف گردید. هر دو کشور از مرزهای دریایی منطقه بیطرف تعاریف متفاوتی می‌کردند. نماینده کویت در لندن طی نامه مورخ ۳ آوریل ۱۹۵۸ به شرکت ژاپنی صاحب امتیاز در مورد فلات قاره مجاور منطقه بیطرف می‌نویسد که سهم کویت از فلات قاره در انتهای شمالی خلیج فارس ۱۲۵۰ مایل مربع است. وی می‌افزاید این منطقه به وسیله خطی که نقاط زیر را به هم وصل می‌کند، محصور شده است:

- ۱- انتهای مرز بین کویت و عراق در خور عبدالله به طرف دریا.
- ۲- نقطه ۲۹ درجه، ۸ دقیقه و ۳۶ ثانیه شمالی و ۴۹ درجه، ۱۷ دقیقه و ۴۸ ثانیه شرقی.
- ۳- انتهای مرز بین کویت و منطقه بیطرف به طرف دریا.<sup>۲۴</sup>

متعاقباً، کویت يك قرارداد امتیاز با شرکت نفتی شل در ۱۹۶۱ امضاء کرد. حوزه این امتیاز مناطق دریایی سرزمین اصلی کویت بود. عربستان سعودی ادعا کرد که حوزه این امتیاز مناطق دریایی منطقه بیطرف یا همان مناطقی را که عربستان امتیاز آن را در سال ۱۹۵۷ به شرکت ژاپنی اعطا کرده، در برمی‌گیرد. این تداخل، نتیجه غیر قابل اجتناب امتیازات قبلی بود که بوسیله عربستان سعودی و کویت به شرکت ژاپنی در مناطق دریایی تعیین نشده منطقه بیطرف واگذار شده بود. به عبارت دیگر، حوزه امتیازی که عربستان واگذار کرده بود تا شمال سرزمین اصلی کویت امتداد می‌یافت و با حوزه امتیاز اعطایی کویت در سال ۱۹۵۸ تداخل می‌کرد.

به طور کلی، اختلاف تنها مربوط به فلات قاره منطقه تقسیم شده نبود، بلکه تمام فلات قاره دو کشور را در خلیج فارس در برمی‌گرفت. به همین جهت تاکنون فلات قاره بین عربستان و کویت تعیین نشده است. برای

چند عامل در تنظیم این ماده تأثیر داشته است. نخست آن که بهره‌برداری مشترک از مناطق خارج از محدوده ۶ مایل که بوسیله يك شرکت نفتی ژاپنی از دهه ۱۹۵۰ آغاز شده بود، مورد رضایت طرفین بود و نیازی به تغییر این ترتیبات حقوقی احساس نمی‌شد. دوم آن که تعیین مرزهای دریایی منطقه بیطرف پیچیده تر از مرزهای زمینی بود و دو کشور موفق نشدند در این مورد به توافق برسند.

موافقتنامه ۱۹۶۵ تغییر در امتیازات موجود نفتی نداد یا به عبارت دیگر تأثیری بر آن نداشت. به موجب این موافقتنامه، هر کشور بدون این که «ژاپنی به قراردادهای امتیازات نفتی وارد شود، آزادی کار برای شهروندان کشور دیگر را در آن قسمتی که ضمیمه خاک او شده، تضمین می‌کند. علاوه، هر کشور حق اشتغال به کار برای شهروندان کشور دیگر را در سطوح مساوی با شهروندان خود، در صنایع مربوط به نفت در امتیازات اعطایی فعلی یا امتیازاتی که در آینده داده خواهد شد، تضمین می‌نماید».

همچنین، به موجب این موافقتنامه، طرفین توافق نمودند که به منظور تضمین ادامه کوشش‌های دو کشور برای بهره‌برداری از منابع طبیعی در منطقه، يك کمیته دائم مشترک ایجاد شود. این کمیته متشکل از نمایندگان دو کشور به طور مساوی خواهد بود و در آن وزرای مسئول منابع طبیعی دو کشور نیز شرکت خواهند کرد. این کمیته در مورد موضوعات مربوط به بهبود یا اعطای امتیازات جدید نفتی در منطقه تصمیم می‌گیرد.

اسناد تصویب این موافقتنامه در ۲۵ ژوئیه ۱۹۶۶ در جدّه مبادله شد. در این موافقتنامه، علامت‌گذاری منطقه تقسیم شده پیش‌بینی شده بود، لذا در ۱۸ دسامبر ۱۹۶۸ يك موافقتنامه برای تعیین حدود این منطقه به طور رسمی منعقد گردید. به دنبال آن، در سال ۱۹۶۹ منطقه تقسیم شده تعیین حدود و علامت‌گذاری گردید. همچنین، دو کشور در مورد تقسیم دارایی‌ها و تأسیسات ایجاد شده در منطقه تقسیم شده به طور کامل به توافق رسیدند.

در ۸ نوامبر ۱۹۸۸ نیز به دنبال سفر شیخ عبدالله صباح ولیعهد کویت به عربستان سعودی دو کشور موافقتنامه‌ای در مورد حقوق شهروندان خود در این منطقه امضاء کردند. شیخ سالم صباح وزیر کشور کویت، پس از امضای موافقتنامه مذکور گفت که «امیدوار است این موافقتنامه قدمی به سوی تحقق امنیت و ثبات شهروندان هر دو کشور باشد».

به طوری که گفته شد، اهمیت منطقه تقسیم شده به علت نفت است. درآمد حاصل از فروش نفت این منطقه به طور مساوی میان دو کشور تقسیم می‌شود. در دوران جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) درآمد مذکور به حساب عراق واریز می‌شد. تولید این منطقه در سالهای مذکور بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه در روز بود. با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق، واریز درآمد این منطقه به حساب عراق در ۱۹۸۸ قطع شد. در طول اشغال کویت توسط عراق، چاه‌های نفت این منطقه نیز به آتش کشیده شد و مسدود گردید. در حمله زمینی متحدین برای آزادسازی کویت، این منطقه صحنه شدیدترین نبردهای زمینی بود. تولید مجدد نفت از این منطقه بعد از آزادسازی کویت، در ۳ مارس ۱۹۹۲ آغاز شد. میزان تولید نفت آن در ۱۹۹۳ حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز بوده است.<sup>۲۵</sup>

با وجود توافقات فوق، چند مسأله در ارتباط با منطقه مذکور به طور نهایی حل نشده و در آینده سبب بروز اختلاف خواهد شد. این مسائل عبارتند از: ۱) حجم زیاد ذخایر نفت این منطقه، احتمالاً يك كانون بالقوه اختلاف خواهد بود.

۲) هر چند این منطقه به موجب موافقتنامه ۱۹۶۵ به طور مساوی بین دو کشور تقسیم شده، لکن حقوق مساوی طرفین به طور کامل در تمام منطقه بیطرف سابق حفظ شده است. به عبارت دیگر، گرچه منطقه از نظر جغرافیایی تقسیم شده، لکن تمام منطقه تابع رژیم حاکمیت مشترک دو کشور

مذاکرات عربستان سعودی و کویت در دهه ۱۹۶۰ در مورد مرزهای زمینی و دریایی منطقه تقسیم شده، مسأله مالکیت جزایر «قارو» و «ام المرادم» را نیز شامل می‌گردید. اما به علت اختلاف نظر طرفین در مورد مالکیت این جزایر، هیچگونه توافق صورت نگرفت. در نتیجه، موضوع این جزایر در موافقتنامه‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۸ و ۱۹۸۸ مسکوت گذاشته شد. همچنین در عهدنامه «عقیر» ۱۹۲۲ نیز اشاره‌ای به مالکیت این جزایر نشده است.

به هر حال، کویت در مورد حاکمیت خود بر این جزایر استدلال می‌کند که در دوران حاکمیت امپراتوری عثمانی بر آن کشور، جزایر مذکور از نظر اداری تابع استان کویت بوده است. بریتانیا نیز که تا سال ۱۹۶۱ مسئولیت اداره امور خارجی کویت را بر عهده داشت، از این نظر جانبداری می‌کرد. در مقابل، عربستان سعودی اظهار می‌دارد که این جزایر در سواحل منطقه بیطرف سابق واقع شده و در نتیجه به عنوان قسمتی از این منطقه باید تابع حاکمیت مشترک دو کشور باشد، یعنی همان وضعی که در مورد منطقه بیطرف وجود دارد.

به هر حال، اختلاف نظر طرفین موجب شد که شرکت نفتی «امین اوایل» که امتیاز نفت این جزایر را تا ۳ مایل دریایی سرزمینی آن‌ها از دولت کویت گرفته بود، موفق به هیچگونه عملیات حفاری نشود. کویت پیشنهاد کرده در صورتی که عربستان سعودی حاکمیت آن کشور را بر این جزایر به رسمیت بشناسد، حاضر است درآمدهای نفتی این جزایر را به طور مساوی با عربستان تقسیم کند. اما سعودی‌ها این پیشنهاد را نپذیرفته‌اند.

عربستان سعودی همچنین پیشنهاد میانجیگری کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را در مورد این جزایر نپذیرفته است. از طرف دیگر، متعاقب امضای موافقتنامه‌های مربوط به منطقه بیطرف سابق، دو کشور موافقت کردند اختلاف مربوط به این جزایر را به کمیسیون سازش ارجاع کنند. اما در این مورد نیز اقدامی صورت نگرفته است.

در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ دو حادثه روی داد که موجب تیرگی روابط عربستان سعودی و کویت گردید. حادثه نخست در دسامبر ۱۹۷۶ و هنگامی بود که کویت در کنفرانس اوپک در دوحه، از افزایش ۱۰ درصد بهای نفت در مقابل ۵ درصد پیشنهادی عربستان سعودی حمایت کرد. حادثه دوم مربوط به سال ۱۹۷۷ است که کویت به صورت دومین خریدار اسلحه شوروی در میان کشورهای خلیج فارس درآمد. این دو حادثه موجبات خشم و نارضایتی عربستان سعودی را فراهم آورد. در نتیجه، این کشور به طور ناگهانی در ماه اوت ۱۹۷۷ دو جزیره «قارو» و «ام المرادم» را به اشغال خود درآورد. هرچند عربستان سعودی بعداً از این جزایر عقب‌نشینی کرد، اما از ادعای خود نسبت به آن‌ها چشم‌پوشید.

برخی از حقوقدانان معتقدند که این جزایر نیز مانند منطقه تقسیم شده باید تحت حاکمیت مشترک دو کشور باشد. دکتر جمشید ممتاز می‌نویسد که با توجه به سکوت عهدنامه «عقیر» ۱۹۲۲ و موافقتنامه ۷ ژوئیه ۱۹۶۵ در مورد این جزایر و نیز قرار گرفتن این جزایر در امتداد منطقه بیطرف سابق، با توسل به ضابطه مجاورت، این جزایر باید تابع رژیم حاکمیت مشترک باشد. وی می‌نویسد: «در چنین شرایطی حاکمیت مشترک بر منابع منطقه بیطرف که کماکان بعد از تقسیم این منطقه بر آن حاکم است، به طور ضمنی به مناطق زیردریایی که در مجاورت این منطقه قرار گرفته، تسری پیدا می‌کند و شامل این جزایر نیز می‌شود.»<sup>۲۶</sup>

هرچند معاهده «عقیر» و موافقتنامه ۱۹۶۵ در مورد جزایر «قارو» و «ام المرادم» ساکت است، اما اسناد حقوقی بسیاری در دست است که حاکمیت کویت را بر این جزایر ثابت می‌کند. در زیر به برخی از این اسناد اشاره می‌شود:

۱- به موجب ماده ۵ موافقتنامه ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ بین امپراتوری عثمانی و

تحدید فلات قاره، نخست باید خطوط مبدأ دریای سرزمینی دو کشور مشخص گردد. در این مورد بین عربستان سعودی و کویت اختلاف وجود دارد. در صورتی که در مجاورت ساحل جزایر متعددی وجود داشته باشد، دولت ساحلی می‌تواند برای تعیین خط مبدأ از خطوط مستقیمی که دورترین نقاط این جزایر از ساحل را به هم مربوط می‌کند، استفاده نماید. به همین دلیل، دولت کویت مبدأ دریای سرزمینی خود را خطوط مستقیمی می‌داند که

پیشرفته‌ترین نقاط جزایر «بویان»، «فیلکه» و «عوهه» را به هم متصل می‌کند. اما این رویه با مخالفت دولت عربستان سعودی روبرو شده است. تا زمانی که توافقی بین دو دولت در این مورد صورت نگیرد، انعقاد موافقتنامه‌ای درباره تقسیم فلات قاره بین دو کشور امکان‌پذیر نخواهد بود.<sup>۲۵</sup>

غیر از خطوط مبدأ، عربستان سعودی و کویت در مورد نحوه تقسیم فلات قاره نیز با یکدیگر اختلاف دارند. عربستان سعودی در مورد نحوه تقسیم فلات قاره بین دو کشور معتقد است که خط شمالی منطقه تقسیم شده باید تقریباً به صورت یک خط مستقیم از نقطه تلاقی مرز زمینی شمالی منطقه با خط پست‌ترین جزر آب در ساحل خلیج فارس آغاز و به نقطه ۲۸ درجه و ۵۰ دقیقه و ۴۰ ثانیه برسد و سپس به طرف ساحل شمالی خلیج فارس امتداد یابد، به همان صورتی که به موجب حکم ۲۸ مه ۱۹۴۹ در مورد دریای سرزمینی این کشور معین شده است.

باید اشاره کرد که امتداد مستقیم قسمت آخر مرز زمینی در دریا به صورتی که عربستان سعودی اظهار می‌دارد، وضعی غیرعادی در ارتباط با خط شمالی ایجاد می‌کند. زیرا مرز کویت در این نقطه، قوسی از یک دایره است که امتداد آن به طرف دریا شدیداً سهم این کشور را از فلات قاره محدود می‌کند؛ روش دیگر، ترسیم یک خط عمودی، معمولاً به طور مستقیم، به طرف ساحل است.

این خط فقط کمی در جنوب خط مستقیم قبلی است و تا اندازه‌ای تحدید حدود غیر منصفانه آن را اصلاح می‌کند.

به طور کلی، اگر عربستان سعودی و کویت در رسیدن به یک توافق متقابل شکست بخورند، دو کشور باید اختلاف در مورد مرزهای دریایی خود را به داوری بین‌المللی ارجاع کنند. روشی که دولت‌های خلیج فارس برای تقسیم فلات قاره خود به کار گرفته‌اند، می‌تواند به عنوان الگویی مورد استفاده دو کشور قرار گیرد. بر اساس این روش، برای تحدید مرزهای دریایی منطقه تقسیم شده، باید مانند تمام مرزهای دیگر فلات قاره خلیج فارس، از خط نیمساز متساوی الفاصله استفاده شود. البته وجود اوضاع و احوال خاص مانند جزایر، نفت و یا منابع معدنی دیگر، ضرورت اصلاح یا تغییر خط میانه را توجیه می‌کند. با توجه به ماده ۸ موافقتنامه ۱۹۶۵، در هر جا که کاربرد خط متساوی الفاصله موجب بی‌عدالتی شود، می‌توان اصل تقسیم مساوی منابع طبیعی را در نظر گرفت. اما قبل از آن باید یک اختلاف دیگر از میان برداشته شود و آن مالکیت جزایر «قارو» و «ام المرادم» است. این جزایر یکی از موانع اصلی تحدید حدود مرزهای دریایی بین دو کشور به شمار می‌رود.

### اختلاف در مورد جزایر «قارو» و «ام المرادم»

جزایر «قارو» و «ام المرادم» به ترتیب در ۴۰ کیلومتری و ۲۴ کیلومتری قسمت شمالی منطقه تقسیم شده قرار گرفته‌اند. جزیره «قارو» در شمال «ام المرادم» و در جنوب شرقی جزیره «کبر» واقع شده و فاصله آن تا کویت حدود ۵۵ مایل است. «ام المرادم» دورترین جزیره از خاک اصلی کویت می‌باشد و در جنوب آن واقع شده است. جزایر مذکور غیر مسکونی و اهمیت آن‌ها به علت ذخایر نفت است. این جزایر در حال حاضر تحت حاکمیت کویت قرار دارد.

■ ■ یادداشت ها:

1. The Iranian Journal of International Affairs, Vol. v, Nos. 3-4, fall-winter 1993-94, pp. 621-22.

2. EIU, Kuwait country report, No. 4, 1991 p. 11.

۳. برای اطلاع بیشتر در مورد اختلافات مرزی عراق و کویت، بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹).

4. EIU, Kuwait country report, No. 4, 1992, p.11.

۵. جمعیت کویت قبل از اشغال توسط عراق ۲/۴۱ میلیون نفر بوده است.

۶. این رقم بیش از حد انتظار می باشد. بنگرید به

EIU, Saudi Arabia, country profile, No. 4, 1993-94, p.2

7. EIU, Kuwait country profile, 1993-94 p.7.

8. EIU, Saudi Arabia, country profile, 1993-94, p.10.

9. EIU, Kuwait country report, No. 4, 1991 p. 11.

۱۰. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

دکتر اصغر جعفری ولدانی، «نظم نوین جهانی و موقعیت ایران»، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال دوم، پائیز ۱۳۷۳، شماره ۲.

۱۱. رسالت، ۲۱ شهریور ۱۳۷۳.

۱۲. بریتانیا همین سیاست را در اوائل قرن بیستم در ترکیه، ایران و افغانستان در پیش گرفته بود.

13. Alen J. Day, (Editor), Border and Territorial Disputes, - - - (London: Longman Group V.K.Ltd., Longman House, 1987) p. 251.

۱۳. همین سیاست را حکومت های عراق نسبت به کویت در پیش گرفته بودند.

14. Day, op. cit, p. 251.

15. Encyclopaedia Britanica, Vol. 13, 1973, p. 520.

16. Day, op. cit, p. 250.

۱۷. ابن سعود سپس در سال ۱۹۳۲ نام کشور خود را به یاد پدرش به عربستان سعودی تغییر داد.

۱۸. سند شماره ۲۹، مورخ ۲ دی ۱۳۰۸، از گزیده اسناد خلیج فارس، جلد دوم (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹)، ص ۱۵۰.

۱۹. بنگرید به سند شماره ۱۲۷، گزیده اسناد خلیج فارس، ص ۵۶۸.

۲۰. سند شماره ۱۳۱، گزیده اسناد خلیج فارس، ص ۵۸۳.

۲۱. سند شماره ۱۳۵، گزیده اسناد خلیج فارس، ص ۵۹۶.

22. EIU, Kuwait country report, No. 4, 1993 p. 19.

23. H. Amin International and Legal Problems of the Gulf, (London: Middle East and North African Studies Press. Limited, 1981) p. 125- -

24. Ibid. p. 126.

۲۵. دکتر اصغر جعفری ولدانی، «کانون های بحران در خلیج فارس تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱ صص ۲۳-۴۲۲».

۲۶. دکتر جمشید ممتاز، «تحدید حدود فلات قاره خلیج فارس»، مجله سیاست خارجی، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۹، صص ۵۸۰.

۲۷. دکتر اصغر جعفری ولدانی و نیلوفر حق شناس کاشانی، «اختلافات مرزی و ارضی بین دولت های خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت منطقه»، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲) صص ۱۰۱-۱۰۰.

بریتانیا جزایر «قارو» و «ام المرادم» جزو قلمرو کویت محسوب شده است. ۲- در قرارداد آوریل ۱۹۲۳ که سه سال پس از ایجاد کشور جدید عراق در مورد تعیین مرزهای آن کشور با کویت امضاء شده، تعلق جزایر «قارو» و «ام المرادم» به کویت به رسمیت شناخته شده است.

۳- در نامه نوری سعید نخست وزیر عراق به سر فرانسس همفری کمیسونر عالی بریتانیا در عراق به تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۲ نیز جزایر مذکور متعلق به کویت شناخته شده است.

۴- در یادداشت تفاهم منعقد بین کویت و عراق در ۴ اکتبر ۱۹۶۳ طرفین با پذیرش مرزهای تعیین شده در نامه نوری سعید، بر تعلق این جزایر به کویت تأکید کرده اند.

۵- شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب قطعنامه شماره ۶۸۷ مورخ ۸ آوریل ۱۹۹۱ تعلق جزایر «قارو» و «ام المرادم» را به کویت به طور رسمی تأیید کرده است. زیرا در این قطعنامه مرزهای تعیین شده بر طبق یادداشت تفاهم ۴ اکتبر ۱۹۶۳ به رسمیت شناخته شده است. قطعنامه مذکور بعد از آزادسازی کویت از اشغال عراق صادر گردیده است.

عربستان سعودی نسبت به قراردادهای مذکور و نیز قطعنامه شماره ۶۸۷ مورخ ۸ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت که جزایر «قارو» و «ام المرادم» را متعلق به کویت می شناسد، هیچگونه اعتراضی نکرد با این حال در فوریه ۱۹۹۱ ادعاهای ارضی خود را نسبت به این جزایر تکرار نمود. به همین جهت جزایر مذکور همچنان یکی از کانون های بالقوه بحران در شمال خلیج فارس به شمار می رود.

## خلاصه و نتیجه:

هرچند اختلاف ارضی بین عربستان سعودی و کویت ظاهراً مربوط به فلات قاره دو کشور در خلیج فارس و مالکیت جزایر «قارو» و «ام المرادم» می شود، اما سیاست سنتی عربستان سعودی که حاکمان کنونی نیز به آن پای بند هستند، تسلط بر کویت و تمام شبه جزیره عربستان است. عربستان سعودی سیاست خود را در این زمینه به طور رسمی و با صراحت چنین اعلام کرده است:

«عربستان سعودی مایل است درباره یک نکته اساسی تأکید کند و آن وضع غیر طبیعی سیستم سیاسی امروزه خلیج فارس است که در قرن نوزدهم به وسیله امپراتوری انگلیس مستقر شده است... عربستان سعودی جداً معتقد است که اگر دخالت انگلیسی ها در میان نبود مشکل واقعی در مورد این سرحدات به وجود نمی آمد... باید اقرار نمود که این بنای یادبود دوران امپراتوری، دیگر رژی می نیست که هم آهنگ با احتیاجات و خواست های منطقه خلیج فارس باشد»<sup>۲۷</sup>.

در راستای این سیاست، عربستان سعودی از نهایی کردن قراردادهای مرزی خویش بر طبق مقررات حقوق بین الملل خودداری کرده است، زیرا مایل نبوده قراردادهای مذکور نقشه سیاسی شبه جزیره عربستان را به صورت دائمی درآورد. در حال حاضر تمام قراردادهای مرزی عربستان سعودی با همسایگانش که در دوره ابن سعود منعقد شده، تغییر یافته است. تعداد قراردادهای مرزی منعقد این کشور با همسایگانش بیانگر این مسأله است؛ از جمله تاکنون ۴ موافقتنامه مرزی بین عربستان سعودی و کویت منعقد شده است. یکی از نتایج این امر، تغییر مکرر مرزهای تعیین شده به موجب این موافقتنامه ها بوده است. به همین جهت، به نظر می رسد که مرزهای کنونی را نیز نمی توان قطعی و دائمی تلقی کرد.